

نوع مقاله: پژوهشی

شأن و آثار وجودی و ولایت تشریحی پیامبر و معصومان علیهم السلام در هستی از منظر امام خمینی علیه السلام

محمدحسین احمدزاده فرد / مربی گروه معارف اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی رودهن

mhahmadz50@yahoo.com

 orcid.org/0009-0009-4229-8670

mmrezai@ut.ac.ir


محمد محمدرضایی / استاد گروه فلسفه دین دانشگاه تهران

dadjoo43@pnu.ac.ir

یدالله دادجو / دانشیار گروه معارف اسلامی دانشگاه پیام نور تهران

r_akbarzadeh@pnu.ac.ir

رجب اکبرزاده / استادیار گروه الهیات و معارف اسلامی دانشگاه پیام نور قم

 <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۱۵ - پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۱۸

چکیده

یکی از مهم‌ترین موضوعات در مباحث اعتقادی پس از توحید، شناخت حجت‌های الهی و آثار وجودی آنان در هستی است که در این باره در قرآن کریم و روایات و نوشته‌های دانشمندان مطالبی فراوان نقل شده است. این مقاله با بررسی شأن و آثار وجودی و ولایت تشریحی پیامبر و معصومان علیهم السلام بر آن است تا با واکاوی دیدگاه یکی از بزرگ‌ترین متفکران معاصر، به تبیین آثار وجودی این انوار هدایت پرداخته و در یک فرایند پژوهشی نتایج آن را ارائه نماید. داده‌های این پژوهش با استفاده از روش کتابخانه‌ای و مراجعه به آثار مکتوب و اسناد و مدارک موجود گردآوری و با استفاده از تحلیل محتوا تجزیه و تحلیل گردیده است. حاصل پژوهش نشان می‌دهد امام خمینی علیه السلام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و معصومان علیهم السلام را کلیدهای باب وجود و اولین مخلوق، رابط میان شاهد و مشهود، انوار فروزان الهی و دارای ولایت تکوینی و تشریحی و نقش‌آفرین در عالم به‌مثابه واسطه فیض و شفیع انسان‌ها در قیامت معرفی می‌کند و علاوه بر این، مهم‌ترین و بزرگ‌ترین آثار وجودی آن ذوات مقدس را تشکیل حکومت و اجرایی نمودن شریعت می‌داند.

کلیدواژه‌ها: پیامبر، شأن، معصومان، ولایت تکوینی، ولایت تشریحی، واسطه فیض، امام خمینی علیه السلام.

با بررسی تاریخ و آثار گذشتگان، این نکته حاصل می‌شود که موضوع معصومان علیهم‌السلام و شأن و آثار وجودی آنان در هستی، یکی از موضوعات اساسی است و پیشینه‌ای به درازای تاریخ بشریت دارد و همواره مدنظر محققان قرار داشته است. از نتایج این‌گونه جست‌وجو در تاریخ و منابع علمی این است که خداوند متعال در روی زمین انسان‌هایی را به‌عنوان جانشین قرار داده است. این مطلب در همه ادیان مطرح بوده، ولی اسلام به‌مثابه صورت کامل دین الهی، به‌طور خاص به آن پرداخته است. اسلام بر مسئله «واسطه فیض» و «خلیفه خدا» در زمین و نقش‌آفرینی او تأکید کرده است.

علاوه بر قرآن، در روایات معصومان علیهم‌السلام و زیارات و آثار حکما و عرفا نیز به این مهم توجه شده و عامه و خاصه در این‌باره مطالبی ارائه نموده‌اند. در این میان، امام خمینی علیه‌السلام در *مصباح‌الهدایه* و دیگر آثار خود نکات مهم و دقیقی را درباره ولایت معصومان علیهم‌السلام تحریر نموده‌اند.

حکما در تبیین عقلی مقام ولایت تکوینی معصومان علیهم‌السلام کوشیده‌اند که مرتبه‌ای از ربوبیت تکوینی و تصرف در عالم تکوین است؛ اما محدوده ولایت اولیا و شأن و نقش‌آفرینی آنها همواره موضوع سؤال بوده است؛ زیرا اهل‌بیت علیهم‌السلام عدل قرآن و ثقل اکبر و کبیر و بیکران‌اند و بدین‌روی هنوز قطره‌ای از حقیقت مطلب تحقیق و تبیین نشده است.

سؤال اصلی این است که از منظر امام خمینی علیه‌السلام، معصومان علیهم‌السلام از چه زمانی و تا چه حدی در عالم نقش‌آفرین بوده‌اند؟ شأن و نقش آنان قبل از آفرینش عالم و در زمان حضور و حیات آن وجودهای نوری در دنیا و پس از شهادت و عروج ایشان از دار فانی دنیا چگونه بوده است؟ شان و جایگاه ولایت تشریحی آن گوهرهای پاک چگونه است؟

به‌سبب اهمیت موضوع که براساس روایات و ادعیه رسیده، عدم معرفت نسبت به حجج الهی و ائمه اطهار علیهم‌السلام موجب گمراهی در دین و روش صحیح زندگی می‌شود: «وَإِنْ لَمْ تُعْرِفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۲، ص ۱۴۶).

این پژوهش به روش «کتابخانه‌ای» و «تحلیلی» کوشیده است تا شأن و آثار وجودی ایشان، به‌ویژه ولایت تشریحی آن انوار پاک را با تکیه بر دیدگاه امام خمینی علیه‌السلام بررسی و در شش عنوان اصلی و چهارده عنوان فرعی ارائه نماید. حضرت امام تلاش در این زمینه و تدبر در حالات معصومان علیهم‌السلام را موجب بیداری از خواب غفلت معرفی نموده است (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ص ۱۱۱). جای امیدواری است که آحاد مسلمانان و همه احرار جهان با توجه به تأکید قرآن، به معصومان علیهم‌السلام تمسک جسته، تلاش کنند با شناخت و اطاعت از آن انوار قدسی، زمینه سعادت خود و بشریت را فراهم سازند.

توجه به شأن وجودی و ولایت تکوینی و تشریحی و همچنین آثار اجتماعی معصومان علیهم السلام از اهمیت خاصی برخوردار است، به‌ویژه زمانی که از دیدگاه و نظرگاه شخصیتی بررسی شود که توانسته است در دو ساحت دانش و ارزش، توصیف و توصیه، سلوک و سیاست نقش انسان کامل را نشان دهد و الگوی «ولایت انسان کامل» را در مراتب گوناگون و از جمله در مرتبه جانشین انسان کامل معصوم عینیت بخشد و بین عرفان و مدیریت، عرفان و سیاست و اجتماع رابطه منطقی مدیریتی برقرار سازد (رودگر و فتاحی مقدم، ۱۳۹۹).

اگرچه درباره نظرگاه امام خمینی علیه السلام درباره موضوع پژوهش کار علمی خاصی انجام نشده، ولی درباره موضوعات مرتبط با آن تحقیقات قابل توجهی صورت گرفته است؛ از جمله:

کتاب *ولایت و مرجعیت اهل بیت علیهم السلام از دیدگاه امام خمینی علیه السلام* (رضوانی، ۱۳۸۸)؛ کتاب *ولایت تکوینی از دیدگاه قاضی سعید قمی و امام خمینی علیه السلام* (یزدان پناه، ۱۳۹۱)، نویسندگان مطالب مسوولی در باب شأن و ولایت و جایگاه معصومان علیهم السلام نگاشته‌اند.

ولایت تکوینی و تشریحی از دیدگاه امام خمینی علیه السلام و آیت‌الله صافی (اذنی، ۱۳۹۷)؛

حضرات خمس، بررسی تطبیقی آرای قیصری و امام خمینی علیه السلام (زحمتکش، ۱۳۹۱)؛

مبانی قرآنی ماهیت ولایت از منظر ابن عربی و امام خمینی علیه السلام (مقدسی، ۱۳۹۲)؛

صادر نخستین از منظر فلاسفه با تأکید بر آراء امام خمینی علیه السلام (رضانی، ۱۳۸۹)؛

بررسی آراء عبدالکریم جلیلی در خصوص انسان کامل، و مقایسه آن با آراء امام خمینی علیه السلام به همراه ترجمه بخش دوم کتاب انسان کامل (خدایی، ۱۳۸۹)؛

رابطه وحدت و کثرت وجود از دیدگاه ملاصدرا و امام خمینی علیه السلام (جعفری میدانسر، ۱۳۹۳)؛ نویسندگان در پایان‌نامه‌های ارشد خود اهل بیت علیهم السلام و شأن و آثار و ولایت آنان را موضوع پژوهش خود قرار داده و دیدگاه حضرت امام را با دیگر محققان به صورت تطبیقی مقایسه کرده‌اند.

۱. بررسی مفاهیم

۱-۱. «شأن» در لغت

لغت‌شناسان معانی گوناگونی برای واژه «شأن» بیان نموده‌اند؛ از جمله فراهیدی آن را به معنای «خُطَب» (به سکون طاء) دانسته (ر.ک. فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۶ ص ۲۸۷) که به معنای «سبب امر»، «امر» و یا «امر عظیم»، «امر و حال» و «حال عظیم» به کار رفته و برخی لغت‌پژوهان معنای «قصد و طلب» را برای آن ذکر نموده‌اند (فاریاب، ۱۳۹۶، ص ۳۷).

براساس نظرگاه لغویان، «شأن» با عنایت به آیات و روایات، بر چهار معنای مستقل «امر» (الرحمن: ۲۹)، «حال» (یونس: ۶۱)، «قصد و طلب»، «رگ‌های پیونددهنده قسمت‌های سر، محل پیوند قسمت‌های سر» نیز دلالت دارد (فاریاب، ۱۳۹۶، ص ۳۹-۴۱).

علاوه بر آنچه ذکر شد، «شأن» در معانی «هنجار، فر، جایگاه، پایگاه، کار، حال، و امر بزرگ» به کار رفته که با کلمات «مقام، منزلت، مرتبه، کبریا، شوکت، عظمت، شکوه، و جاه» مترادف شمرده شده که با معنای مدنظر در پژوهش که به دنبال نقش و شأن و جایگاه اهل بیت علیهم‌السلام در هستی است، تناسب دارد.

«شأن» در اصطلاح، حقیقت، مقام و جایگاه و وظیفه و حال فرد را تعیین می‌کند.

۲-۱. شأن اهل بیت علیهم‌السلام

منظور از «شأن معصومان علیهم‌السلام» همان جایگاه و مقام و منزلتی است که آنان به‌عنوان خلیفه خدا در هستی دارند. از جمله شئون امام معصوم، خلافت، هدایت، حکومت و واسطه فیض و شفاعت است.

از کتاب و سنت استفاده می‌شود که خلافت الهی، اعم از مقام نبوت و امامت، منصبی الهی است که از جانب خداوند به افراد برگزیده و لایق اعطا می‌شود تا واسطه فیض الهی به سوی مردم (در قوس نزول) و هدایت آنان به کمال و سعادت (در قوس صعود) باشند و نبی و امام به واسطه این دو منصب الهی، دارای وظایف خاص و مقام و منزلت ویژه‌ای هستند (حسینی، ۱۳۸۰).

آری، امامت و نبوت هر دو منصب الهی هستند، ولی مقام امامت و شأن و جایگاه امام به استناد آیات قرآن (از جمله آیه ۱۲۴ بقره) و روایات (از جمله روایت امام صادق علیه‌السلام که فرمودند: «خداوند ابراهیم را بنده خاص خود قرار داد پیش از آنکه پیامبرش کند و او را به‌عنوان نبی انتخاب کرد پیش از آنکه او را رسول خود قرار دهد و او را رسول قرار داد پیش از آنکه خلیل خود قرار دهد و او را خلیل خود قرار داد پیش از آنکه امام قرار دهد. هنگامی که همه این مقامات در او جمع شد، به او فرمود: "من تو را امام مردم قرار دادم" - کلینی، ۱۳۶۵، ص ۱۷۵) آخرین سیر تکاملی آن حضرت بوده که خداوند بعد از نبوت به ایشان اعطا نموده است (حسینی، ۱۳۸۰).

از این قبیل مطالب که در کتب روایی و تفاسیر فراوان است، می‌توان نتیجه گرفت: علاوه بر اینکه همه انبیا و امامان علیهم‌السلام معصوم بوده‌اند، اما دارای مراتب و درجاتی هستند که در این میان، شأن و مقام امامت معصومان علیهم‌السلام از انبیا بالاتر است.

۳-۱. آثار وجودی

«آثار» در *لغتنامه دهخدا* به معنای «نشانه‌هایی است که از کسی برجای می‌ماند» (دهخدا، ۱۳۷۷، ص ۷۲). در فرهنگ معین (معین، ۱۳۸۶، ص ۱۳) و فرهنگ عمید (عمید، ۱۳۶۰، ص ۱۶) نیز به معنای «نشانه‌ها» آمده است. «کلمات، کارها، پیامدها، تبعات، جای پا، و عواقب بعدی» نیز مترادف آن به کار رفته است. می‌توانیم در معنای اصطلاحی «آثار» بگوییم: «آثار یعنی: نقش و افعال و کارها و تبعاتی که از کسی برآید و برجای ماند».

درباره تفاوت «شأن» و «آثار» می‌توان گفت: «شأن» همان مقام و جایگاه و مرتبه‌ای است که اهل بیت علیهم‌السلام از سوی خدا واجد آن هستند. ولی «آثار» نقش و اثر و تأثیری است که در ایجاد، بقا، استمرار و نزول رحمت و هدایت و ولایت تشریعی و اجرای شریعت و شفاعت بشر به اذن الهی دارند.

گاهی منظورمان از «آثار» اثرهای باقی‌مانده از شخص یا اشخاص است؛ مانند آثار مکتوب و گفتار او. کتب اربعه (الکافی، من لایحضره الفقیه، التهذیب و الاستبصار) مملو از کلمات گهربار و آثار معصومان علیهم‌السلام است. اگرچه آثار مذکور بسیار گرانسنگ و بااهمیت است، ولی منظور ما در این پژوهش، این‌گونه آثار نیست.

گاهی منظورمان از «آثار» منشأ اثر بودن است که به آثار «تکوینی» و «تشریحی» تقسیم می‌شود و از آن به «ولایت تکوینی» و «ولایت تشریحی» تعبیر می‌شود؛ مانند مؤثر بودن در واسطه فیض و شفابخشی افراد و نجات اهل عذاب به واسطه آنان (شفاعت). در این تحقیق منظور این‌گونه آثار است که علاوه بر آثار تکوینی، به آثار تشریحی آن ذوات مقدس نیز اشاره کرده است.

بُعد دیگر آثار وجودی و شأن معصومان علیهم‌السلام رسیدگی به همه موجودات و گشایش مسیر الی الله برای هدایت و راهنمایی عباد الله است و در عصر حاضر نیز وجود امام عصر علیه‌السلام که مظهر انسان تام و کامل است، برای حاکمیت مستضعفان و وراثت آنان در زمین ظهور خواهند کرد و استقرار عدل و اعتلای کلمه «الله» در زمین از آثار و شأن وجودی آن موعود الهی است.

این مقاله کوشیده است نوآوری در اثبات شأن و آثار وجودی معصومان علیهم‌السلام و پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را در منظومه فکری امام خمینی رحمته‌الله‌علیه که همان تشکیل حاکمیت خدا بر روی زمین است، به‌عنوان فرضیه اثبات کند.

در این پژوهش آثار وجودی معصومان علیهم‌السلام، اعم از حضور و غیبت آنان بررسی می‌شود. وجود - نه فقط حضور - ائمه اطهار علیهم‌السلام آثار و برکات خود را دارد و این قبل از خلقت، در زمان حضور و پس از شهادت آن وجودهای مبارک و اسماء حسناى الهی را شامل می‌شود؛ یعنی - درواقع - اکنون هم همه معصومان علیهم‌السلام آثار و برکات خود را دارند و واسطه فیض (در شفابخشی، گره‌گشایی و...) هستند و اصلاً زندگی و دنیا بدون وساطت و ولایت آنها معنا ندارد و البته برکات امام حاضر و ولی عصر علیه‌السلام که ظاهر نیست، ولی براساس حکمت الهی در پس پرده غیبت قرار دارد، خاص و موجب قرار عالم و استقرار آسمان و زمین است.

جمله معروف «بیمنه رزق الوری و بوجوده ثبتت الارض و السماء» (مکارم شیرازی، ۱۳۵۷، ص ۲۶۸) که برگرفته از روایات و زیارات است، این مدعا را اثبات می‌کند.

براساس قاعده «امکان اشرف» که مستندات قرآنی و روایی نیز دارد و در ادعیه و زیارات نیز مؤیداتی دارد، پرورگار متعال ابتدا انوار پاک و عرشی معصومان علیهم‌السلام را آفرید که در اطراف عرش الهی در چرخش بودند و دیگر موجودات را به طفیل وجود آنان و به واسطه آنها آفرید. تقدم اشرف بر اخس حکیمانه و عقلایی و سنت خالق عقل و عقلاست.

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از منظر امام خمینی رحمته‌الله‌علیه به‌مثابه انسان کامل، آن وجودی است که حد ندارد؛ زیرا انسان کامل ظلّ ذات احدی الهی است و در همه صفات مثل خداوند غیرمحدود است. پیامبر نمونه انسان کاملی است که در رأس مخروط این عالم واقع است و ذات مقدس حق تعالی که مستجمع جمیع کمالات به‌طور غیرمتناهی است، در پیامبر

اکرم علیه السلام با تمام صفات و اسما، متجلی است. پس او نیز نامحدود است (یزدان‌پناه، ۱۳۹۱، ص ۱۳۹، به نقل از موسوی خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۲، ص ۴۲۰).

این پژوهش بر آن است به سبب جایگاه ویژه و برتر و مقام انسان کامل و اسم اعظمی که رسول مکرم صلی الله علیه و آله دارند، عنوان آن را «آثار پیامبر صلی الله علیه و آله و معصومان علیهم السلام» قرار دهد. اگرچه به عقیده مذهب برحق تشیع، همه انبیاء علیهم السلام معصوم بودند، ولی منظور این تحقیق چهارده معصوم علیهم السلام هستند.

مهم‌ترین آثار وجودی حجت‌های الهی در هستی، تلاش برای مبارزه حادّ سیاسی با طواغیت، مستکبران و مستبدان زمان بوده است و در این مسیر، حضرت ختمی مرتبت و امام متقین حضرت امام علی علیه السلام با تشکیل حاکمیت الله بر روی زمین، بالاترین آثار وجودی خود را در هستی به منصف ظهور رساندند. حضرت امام نیز بزرگ‌ترین آثار وجودی آن ذوات مقدس را - به تعبیر قرآنی - تشکیل حکومت الهی برای رساندن مردم به مبدأ هستی (یعنی خدا) می‌داند؛ زیرا در اندیشه امامان معصوم علیهم السلام «شأن» همان وظیفه، حال و نقش فرد است و «آثار» نیز نقش افعال و کارهاست. ائمه اطهار علیهم السلام این دو را در مقام خلافت الهی داشته‌اند و خلافت الهی به نور حق و به واسطه حاکمیت خدا بر روی زمین تجلی می‌یابد و بدین‌سان، ولایت تشریحی آن ذوات مقدس که همان مقام «شأن» و «آثار» است، متجلی می‌گردد.

۴-۱. ولایت تکوینی

«ولایت تکوینی» به معنای سرپرستی در ایجاد خالقیت و ربوبیت است که در مرتبه اول (اصالتاً) از آن خداوند است. او با این صفت به ایجاد و تصرف در تمام موجودات و امور تکوینی می‌پردازد (غروی و محسنی، ۱۳۹۴). براساس نظرگاه حضرت امام، قلوب تمام بندگان به واسطه احاطه قدرت لایزال الهی، در تحت تصرف اوست (موسوی خمینی، ۱۳۸۱، ص ۳۹-۴۰) و تحول در قلوب از ناحیه خداوند و از مصادیق تصرف تکوینی خداوند است (موسوی خمینی، ۱۳۸۵، ج ۹، ص ۳۱). خداوند به برخی از بندگان خاص خود مرتبه‌ای از این ولایت را افاضه می‌کند (ر.ک: همان؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۶ ص ۱۳؛ حسینی طهرانی، ۱۴۲۶ق، ج ۵، ص ۱۱۴؛ صافی گلپایگانی، بی‌تا، ص ۱۰۴).

می‌توان گفت: ولایت تکوینی همان قدرت و کمال معنوی و روحی و درونی است که فرد می‌تواند به اذن الهی در عالم اعمال نظر و تصرف کند که در سایه جد و جهد و پابندی به دستورات الهی حاصل می‌شود و اکتسابی است (رضوانی، ۱۳۹۰، ص ۲۵۶). در این باره روایاتی وارد شده است؛ از جمله حدیث قدسی: «يَا ابْنَ آدَمَ اَنَا حَىُّ لَا اَمُوْتُ اَطْعِنِي فِيمَا اَمَرْتُكَ اَجْعَلْكَ حَيًّا لَا تَمُوْتُ يَا ابْنَ آدَمَ اَنَا اَقُوْلُ لِلشَّيْءِ كُنْ فَيَكُوْنُ اَطْعِنِي فِيمَا اَمَرْتُكَ اَجْعَلْكَ تَقُوْلُ لِلشَّيْءِ كُنْ فَيَكُوْنُ». این حدیث در منابع گوناگون (از جمله مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹، ص ۳۷۶؛ حلی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۱۰) نقل شده است.

معجزات و کرامات و کارهای خارق‌العاده مانند طی‌الارض و آگاهی از باطن دیگران از مصادیق ولایت تکوینی است. البته ولی واقعی و حقیقی اشیا و اشخاص که همه انسان‌ها در ولایت داشتن مظهر اویند، فقط ذات اقدس الهی است؛ چنان‌که قرآن کریم ولایت را در وجود خداوند منحصر می‌کند و می‌فرماید: «فَاللَّهُ هُوَ الْوَلِيُّ» (شوری: ۹).

۵-۱. ولایت تشریحی

در مکتب اسلام حاکم اسلامی خدا و قانون اوست و شخص پیامبر ﷺ نیز به دستور خداوند، مأمور اجرای قانون الهی است (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ص ۲۵۶). می‌توان گفت: ولایت الهی همان قدرت تصرف و مقامات الهی است که پس از تحصیل یک سلسله زمینه‌ها، چیزی جز خواست خدا در آن دخالت ندارد (رضوانی، ۱۳۹۰، ص ۲۵۶) و در زمینه قانون‌گذاری و سرپرستی امور مردم است.

درباره «ولایت تشریحی» به معنای «تفویض»، آیت‌الله صافی گلپایگانی و آیت‌الله جعفر سبحانی بر این باورند که خداوند حق قانون‌گذاری را به احدی به‌طور مطلق تفویض نفرموده و قانون‌گذاری مختص خداست، مگر در موارد معدود که خداوند اجازه تشریح به پیامبر ﷺ داده است (سبحانی، ۱۳۸۵، ص ۲۵) و عالمانی مانند حسینی طهرانی، غروی اصفهانی (کمپانی) و سیدجعفر مرتضی عاملی قائل به ولایت تشریحی رسول اکرم ﷺ و ائمه اطهار ﷺ در تمام امور دینی هستند (حسینی طهرانی، ۱۴۲۶ق، ج ۵، ص ۱۱۴ و ۱۷۹).

ولایت تشریحی که همان سرپرستی و به معنای صاحب اختیار مال و جان مردم بودن و ریاست و سرپرستی همه امور دینی و دنیوی مردم را داشتن، مورد اتفاق علماست (حسینی میلانی، ۱۴۳۲ق، ص ۴۹). در نتیجه می‌توان گفت: فهم درست ولایت و اقسام آن، زمینه را برای تشکیل حکومتی فراهم می‌سازد که براساس احکام الهی باشد. حضرت امام که همچون ستاره فروزان و قدر اول ستارگان درخشان گنبد میناست، در اسفار اربعه سیر و سلوک «من الخلق الی الحق» توقف نمود، بلکه برای اصلاح زندگی انسان و حاکمیت قانون خدا به «سیر بالحق فی الخلق» رسید (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ص ۲۶۲). از این‌رو وجود بابرکت او برای بشریت مفید و تأثیرگذار بود و به‌عنوان وارث انبیا الهی، همانند آنان آمد و در جریان زمان وارد گردید و زمام تاریخ را به دست گرفت و جهان تازه‌ای از کمالات مطلوب آفرید (همان) و در حقیقت رشحه‌ای از ولایت تشریحی و آثار آن را در عصر غیبت به‌مثابه نایب عام حضرت حجت به‌منصبه ظهور رساند.

۲. قوس نزول

۱-۲. آثار وجودی و نقش‌آفرینی پیامبر و معصومان ﷺ در قوس نزول هستی

نظام هستی و وجود به‌طور کلی، از آغاز و انجامی که آن را «دایره وجودیه» نام نهاده‌اند، تشکیل گردیده که این دایره متشکل از دو نیم‌قوس نزول و صعود است.

براساس نظریات عرفانی، «قوس نزول» سیر تنزلات وجود و فیض از حقیقت هستی معرفی شده که مطلبی هستی‌شناسانه و شهودی به شمار می‌رود و متضمن سیر تنزلی انسان از عالم اسما و صفات باری تعالی به عالم ماده و طبیعت است. آری، شکل‌گیری عالم طبیعت و نزول فیض و رحمت از جانب حضرت حق براساس قاعده فلسفی «امکان اشرف» (تقدم موجود ممکن شریف‌تر بر موجود ممکن پایین‌تر) و مبانی قرآنی و دینی، واسطه‌هایی می‌طلبد که معصومان علیهم‌السلام به‌مثابه اولین مخلوق و واسطه فیض در مباحث حکمت اسلامی و عرفان و مباحث دینی و قرآنی معرفی گردیده‌اند.

عرفا سیر وجود و ایجاد را دایره‌ای و دوری می‌دانند؛ همان‌گونه که آغاز و انجام و اول آخر در دایره یکی است و همان‌گونه که دایره خط منحنی بی‌نهایت است، دامنه وجود و ایجاد نیز نهایت ندارد.

۲-۲. صاحبان امانت و ولایت مطلقه و فیض مقدس و ائمه نور

فهم دقیق و صحیح ولایت مطلقه و فیض مقدس زمینه را برای درک حقیقت ولایت معصومان علیهم‌السلام و آثار و مقامات معنوی آنها فراهم می‌سازد. براساس آیات قرآن کریم، ولایت در وهله اول، فقط از آن خداست و اوست که ولی و صاحب‌اختیار همه عالم است و به کسانی که پاک و معصوم‌اند و ظرفیت بالایی دارند براساس علم و حکمت به آنان ولایت عطا نموده است؛ یعنی به اذن الهی، کسانی از انبیا و اولیا دارای ولایت‌اند، که در میان آنها پیامبر خاتم دارای ولایت کلیه است. در این باره حضرت امام می‌فرماید:

و اما آداب شهادت به رسالت آن است که شهادت به رسالت از حق را به قلب برساند و عظمت مقام رسالت، خصوصاً رسالت ختمیه را که تمام دایره وجود از عوالم غیب و شهود تکویناً و تشریحاً وجوداً و هدایتاً ریزه‌خوار خوان نعمت آن سرور هستند، و آن بزرگوار واسطه فیض حق و رابطه بین حق و خلق است، و اگر مقام روحانیت و ولایت مطلقه او نبود، احدی از موجودات لایق استفاده از مقام غیب احدی نبود و فیض حق عبور به موجودی از موجودات نمی‌کرد و نور هدایت در هیچ‌یک از عوالم ظاهر و باطن نمی‌تابید (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ص ۱۳۸).

حضرت امام انسان کامل را براساس آیات و روایاتی که در کتاب و سنت آمده، مظهر اسم جامع و مرآت تجلی اسم اعظم می‌داند که براساس آیه «تعلیم آدم» (بقره: ۳۱)، این تعلیم الهی به تخمیر غیبی جمع «بیدی الجمال و الجلال» نسبت به باطن آدم واقع شد.

حضرت امام با بیان آیه «امانت» (احزاب: ۷۲) «امانت» را در مشرب اهل عرفان ولایت مطلقه برمی‌شمارد که غیر از انسان هیچ موجودی لایق آن نیست، و در ادامه می‌فرماید:

این ولایت مطلقه همان مقام فیض مقدس است که در کتاب شریف اشاره به آن فرموده بقوله [تعالی]: «كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ» (قصص: ۸۸) و در حدیث شریف کافی حضرت باقرالعلوم علیه‌السلام فرماید: «نحن وجه الله»؛ وجه خدا ماییم (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۱۴۵) و در دعای «ندبه» است:

«أین وجه الله الذی الیه یتوجه الأولیاء؟ أین السبب المتصل بین الأرض و السماء؟» (قمی، ۱۳۷۰، ص ۹۸۱) و در زیارت «جامعه کبیره» فرموده: «و المثل الأعلى». و این «مثلیت» و «وجهیت» همان است که در حدیث شریف فرماید: «إِنَّ الله خلق آدم علی صورته»؛ یعنی آدم مثل اعلاى حق و آیت الله کبرا و مظهر اتم و مرآت تجلیات اسما و صفات و «وجه الله» و «عین الله» و «ید الله» و «جنب الله» است: هو یسمع و یبصر و یبطش بالله، و الله یبصر و یسمع و یبطش به. و این «وجه الله» همان نوری است که در آیه شریفه فرماید: «الله نور السموات و الأرض» (نور: ۳۶) و جناب باقرالعلوم علیه السلام فرماید به ابوخالد کابلی در حدیث شریف کافی: «هم (أی الأئمة) والله، نور الله الذی أنزل، و هم والله، نور فی السموات و الأرض» (موسوی خمینی، ۱۳۷۳، ص ۶۳۶).

«فیض» همان نزول و جلوه‌گری ذات در مجالی امکانی است، وقتی با مقدس همراه شود. «فیض مقدس» در اصطلاح اهل عرفان، همان ظهور عینی و وجودی اسماء الهی است.

در این باره حضرت امام تصریح دارد:

در ذوق عرفانی، رابط فیض مقدس و وجود منبسط است که مقام برزخیت کبرا و وسطیت عظام را دارد و آن بعینه مقام روحانیت و ولایت رسول ختمی که متحد با مقام ولایت مطلقه علویه است، می‌باشد (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ص ۱۳۶).

نتیجه آنکه معصومان علیهم السلام علاوه بر اینکه واسطه فیض الهی‌اند، در میان جامعه بشری مثل نور، راه را نشان می‌دهند و بی هدایت و تمسک به آنها سالک الی الله راه به جایی نمی‌برد و هر راهی غیر از این بیراهه و به سوی دوزخ است.

به نظر می‌رسد براساس دیدگاه حضرت امام، همان‌گونه که نور مایه حیات و وسیله رؤیت اشیا و هادی انسان در تاریکی‌هاست، نور الهی که همان حقیقت ولایت الهی در عالم است، واسطه فیض در قوس نزول و هادی بشر در قوس صعود است.

۱-۲-۲. معصومان علیهم السلام؛ اسباب پیوند آسمان و زمین و خلفای رب العالمین

حضرت امام که خود سال‌ها در آستان اهل بیت علیهم السلام، به‌ویژه امیرالمؤمنین علیه السلام در دوران تبعید و اقامت در نجف، شاهد آن کمالات و عنایات بود و هر شب به آستان بوسی آن ولی کون و مکان نازل می‌شد و آنچه دارد از آن حضرت و حضرات معصوم علیهم السلام است، درباره آن وجودهای نورانی می‌فرماید:

حمد و ثنا مخصوص خدایی است که در حجاب غیبت ذات، جایگزین و در غیب اسما و صفات پرده‌نشین است؛ خدایی که باطن است و ظاهر، خدایی که از چشم دل اولیایش به واسطه فطرت کبریا پنهان است و در آینه وجود خلفایش با انعکاس نورش ظاهر. درود و سلام بر آن کسی که کلید باب وجود و رابط میان شاهد و مشهود و غیب هویت را باب‌الابواب است؛ ردای عمائیت بر دوش و حضرات خمسه الهیه را حافظ است؛ کسی که در مقام قرب به فقر ذاتی خود رسید و در

مقام امتثال او پایداری کرد؛ دایره وجود را سرآغاز و سرانجام و سلسله کمال را حلقه‌آفرین بود و سرسلسله؛ یعنی محمد که درود خدا بر او باد و بر فرزندان او که از جانب خدا برگزیده شده‌اند (موسوی خمینی، ۱۳۹۵، ص ۶).

حضرت امام معتقد است: با شناخت پیامبر و اهل‌بیت علیهم‌السلام خدای متعال شناخته شد و به وسیله آنان درهای خیرات را گشود. آن وجودهای مطهر و مقدس اسباب پیوند آسمان الوهیت به زمین‌های مخلوقیت‌اند که ظاهرشان آراسته به ولایت و باطن آنها منور به نور رسالت و انوار فروزان الهی است که با هدایت تکوینی و تشریحی در نهان و آشکار هدایت می‌کنند (همان).

حضرت امام درباره شخصیت امیرمؤمنان علیه‌السلام می‌فرماید:

من درباره شخصیت حضرت امیر چه می‌توانم بگویم و کسی چه می‌تواند بگوید؟ ابعاد مختلفی‌ای که این شخصیت بزرگ دارد، به گفت‌وگوی ما و سنجش بشری در نمی‌آید. کسی که انسان کامل است و مظهر جمیع اسما و صفات حق تعالی است، ابعادش به حسب اسمای حق تعالی باید هزار تا باشد و ما از عهده بیان یکی از آن نمی‌توانیم برآییم. تمام اسما و صفات الهی در ظهور و در بروز در دنیا و در عالم، با واسطه رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در این شخصیت ظهور کرده است، و ابعادی که از او مخفی است بیشتر از ابعادی است که از او ظاهر است (رودگر و فتاحی مقدم، ۱۳۹۹).

ایشان ائمه معصوم علیهم‌السلام را واسطه و رابط بین آسمان و زمین (خالق و مخلوق) و دارای ولایت تکوینی و تشریحی و آیات عظمای پروردگار معرفی می‌نماید.

۲-۲-۲. پیامبر و اهل‌بیت علیهم‌السلام؛ مفاتیح وجود و مخازن کبریا و معادن حکمت

خلقت عالم براساس حکمت الهی و علم نامحدود حضرت حق صورت گرفته و در میان مخلوقات، انسان اشرف آنهاست. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم افضل انبیا و اشرف مخلوقات است. حضرت امام بعد از تبیین مقام جبرئیل درباره عظمت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به این نکته مهم می‌پردازد که آن وجود مقدس دارای ختم نبوت، ولایت مطلقه و اکرم بریه و اعظم خلیقه و خلاصه کون و جوهره وجود و عصاره دار تحقق و صاحب برزخیت کبرا و خلافت عظام است که حق تعالی به جمیع شئون اسمائیه، ذاتیه، صفاتیه و افعالیه در آن تجلی کرده است. بعد از اشاره به کریمه مبارکه «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَ إِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ» (حجر: ۹) می‌فرماید:

و اما شارح و مبین آن، ذوات مطهره معصومین از رسول خدا تا حجت عصر علیه‌السلام، که مفاتیح وجود و مخازن کبریا و معادن حکمت و وحی و اصول معارف و عوارف و صاحبان مقام جمع و تفصیل‌اند (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ص ۱۸۴).

از این کلام امام پیوند و ارتباط قرآن و مفسران و شارحان آن به‌دست می‌آید. در حقیقت از نظر حضرت امام، پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم تجلی و آینه تمام‌نمای حضرت حق، و قلب آن حضرت فرودگاه وحی، و زبان و بیان آن وجود قدسی مجرای وحی، و اوصیا و ائمه هدی علیهم‌السلام مفسران وحی و تنزیل‌اند.

۳. قوس صعود

«قوس صعود» یعنی: حرکت به سوی بالا و مبدأ که با پایان یافتن نیم‌دایره قوس نزول آغاز می‌شود. در حقیقت، آغاز قوس صعودی پایان یافتن قوس نزولی است.

تعبیر «قوس» که همان نیم‌دایره است، برای نزول و صعود از یک سو همسانی و از سوی دیگر مغایرت آن دو را بیان می‌کند. تفاوت آنها در این است که در قوس نزول، پس از عبور از تعینات حقانی، به عالم عقل و عالم مثال و عالم ماده می‌رسد؛ ولی در قوس صعود، بعکس، ابتدا بعد از مرحله ماده، به عالم مثال و در پی آن عالم عقل و سپس به مرحله تعین ثانی و در پایان، به تعین اول می‌رسد.

اگرچه قبول این نکته که آغاز و پایان همه چیز خداوند است، از منظر علمی و عقلی و شهودی و عرفانی دلنشین و درست است، اما نحوه آغاز با چگونگی پایان، متفاوت است. به قول عرفاء، آخر همان اول است؛ ولی این‌همانی برحسب درجه است.

براساس دیدگاه فلاسفه، آغاز و انتهای این دو قوس، عقل اول که حول محور فیض مقدس است، معرفی شده و عقل اول را مرتبه بساطت دانسته که مقام «محمود احمدی» با عبور از دو قوس نزول و صعود و نیل به مقام «او ادنی» پرچمدار پیوند این دو قوس است.

۱-۳. مقام شفاعت پیامبر و اهل بیت

یکی از مسائل مربوط به رسول اکرم ﷺ و معصومان نقشی آفرینی و شفاعت آنها در عرصه قیامت و آخرت است. در آن عالم که چشم‌ها تیزبین شده، حقایق را درک می‌کند و روز آشکار شدن اسرار است و همه به دنبال نجات خویش‌اند، براساس روایات رسیده، رسول اکرم ﷺ و اهل بیت درصدد نجات و شفاعت امت و کسانی‌اند که حائز شرایط شفاعت باشند. در این باره حضرت امام بر اهمیت شفاعت و شرایط آن تأکید دارد و به اهل ایمان توصیه می‌کند به علاج خود در دنیا بپردازند تا زمینه نجات و شفاعت آنان در قیامت فراهم گردد. در این باره می‌فرماید:

پس بر انسان بیدار که ایمان به عالم آخرت دارد، لازم است که با هر حيله و ریاضتی است، خود را علاج کند... از این جهت، کسانی که از نور توحید و ولایت بی‌بهره‌اند، ممکن نیست به نور شفاعت نایل شوند، و اهل معاصی نیز اگر کدورت معاصی آنها را زیاد فراگرفته باشد، ممکن است پس از مدت‌های مدیدی به شفاعت نائل شوند.

از پیغمبر اکرم ﷺ نقل شده است که فرموده: «من ذخیره کردم شفاعت خود را برای اهل گناهان کبیره»، و شیخ عارف کامل، شاه‌آبادی می‌فرمود: «اینکه تعبیر به "ذخیره" فرموده است، برای آن است که شفاعت آخرین وسیله است و ممکن است پس از زمان‌های زیاد، توسل به آن وسیله شود؛ چنانچه ذخیره را در وقت بیچارگی و در آخر امر، مورد استفاده قرار می‌دهند (موسوی خمینی، ۱۳۸۸، ص ۳۷۵).

شفاعت اهل بیت، سلطنت عظیم و نقش آفرینی برتر آنها را در قیامت آشکار می‌سازد.

۴. انسان کامل؛ مبدأ و مقصود خلقت در قوس نزول و صعود در اندیشه امام خمینی

۱-۴. معصومان و مقام انسان کامل

انسان کامل در عقیده متفکران اسلامی، آغاز و اساس خلقت و حیات و هستی است. انسان کامل به عبارت دیگر، آیینه تمام‌نما و مظهر ذات و صفات پروردگار متعال است.

از دیدگاه ادیان ابراهیمی قابلیت خدای‌گونه شدن در انسان وجود دارد (شاکر و موسوی، ۱۳۸۹). از این رو در دعای «رجبیه» می‌خوانیم: «لا فرق بینک و بینها الا انهم عبادک» (قمی، ۱۳۷۰، ص ۲۴۵). حضرت امام انسان کامل را ولی مطلق و صاحب مقام مشیت مطلقه که موجودات به واسطه آن ظهور یافته و حقایق ذرات بدان محقق گردیده معرفی نموده و انسان کامل را به منزله ریشه و سایر مخلوقات را شاخه‌های آن می‌داند که بر جمیع مراتب وجود و منازل غیب و شهود احاطه دارد و به همین علت، حضرت امام برای او جایز و سزاوار می‌داند که به جای «من» بگوید: «ما» و مرادش تمام موجودات باشد.

در ادامه با استناد به فرازهایی از زیارت «جامعه کبیره» می‌فرماید:

پس اینها همگی چون قشردن و او اصل و مغز آنهاست، آنها صورتند و او معنای آنها، آنها ظاهرند و او باطن آنها، بلکه او هم صوت است، هم معنا، هم قشر است، هم لب، هم ظاهر است، هم باطن. پس روح ولی، روح کل و نفس او نفس کل و جسم او جسم کل است؛ چنان که در زیارت جامعه وارد شده است: «ارواحکم فی الارواح و انفسکم فی النفوس و اجسامکم فی الاجسام» (موسوی خمینی، ۱۳۷۵، ص ۶۰).

در کلام امام، انسان کامل همچنان که آیینه حق‌نماست و خدای سبحان ذات خود را در آن مشاهده می‌کند، آینه شهود تمام عالم هستی نیز هست (بخشی، ۱۳۸۷، ص ۲۱). ایشان در جای دیگر در توصیف مقام عبودیت آنان می‌فرماید: عبودیت از بالاترین مراتب کمال و مقامات انسانی است و مصداق حقیقی چنین مقامی را حضرت محمد ﷺ و سایر اولیای الهی دارا هستند (همان، به نقل از: موسوی خمینی، ۱۳۷۲، ص ۱۰). بنابراین معصومان ﷺ اساس و ریشه خلقت و صاحب مقام «مشیت» و واسطه ظهور موجودات و محیط بر عالم غیب و شهودند.

حضرت امام مصداق حقیقی انسان کامل را پیامبر خاتم و اهل بیت آن حضرت معرفی نموده و و سایر انبیا و اولیا را در مراتب بعدی قرار داده و شأنی از شئون وجودی حضرت خاتم الانبیاء ﷺ معرفی می‌کند (موسوی خمینی، ۱۳۷۶، ص ۱۷).

در جای دیگر، حضرت امام در حاشیه شرح منظومه سبزواری می‌فرماید:

انسان کامل کسی است که فیوضات عالم بالا را به نحوی که افاضه می‌شود، حفظ و ضبط کند، به طوری که باید به پایین فیض بدهد، برساند؛ و خلاصه نه از آن طرف دستش کوتاه باشد و نه از

این طرف غفلت کند. لذا حضرت پیامبر «جامع الکلم» است و کامل‌ترین موجود بین موجودات ممکنه است و معنای «نبوت ختمی» هم این است که ممکن نیست بیش از یکی باشد؛ زیرا اکمل اوست؛ چون می‌تواند همه تجلیات با عظمت را درک کند و کشف جمال، آن‌طور که ممکن است در او روی می‌دهد. لذا به همه موجودات از وجود کامل تا آخرین تجلیات می‌تواند رسیدگی کند (موسوی خمینی، ۱۳۸۱، ص ۲۱۴-۴۱۸).

از کلام امام این نتیجه حاصل می‌گردد که معصومان علیهم‌السلام و در رأس آنها خاتم الانبیاء صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به‌عنوان انسان کامل، هدف غایی و واسطه در فیض، فیوضات الهی را دریافت می‌کنند و به عالم و آدم می‌رسانند. سیر در طریق و مسیر هدایت بدون راهنمایی راهنمایان کاری ناممکن است. خداوند متعال در طول تاریخ بشریت - علاوه بر عقل در درون - برای آنها هادیان و راهنمایان (حجت ظاهری) را نیز قرار داده است. حضرت امام طی طریق و معراج ایمانی با پای شکسته و عنان گسسته را ناممکن معرفی نموده و به آیه کریمه تمسک بسته است «وَمَنْ لَّمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِنْ نُورٍ» (نور: ۴۰)؛ کسی که خدا برای او نوری قرار ندهد وی را نوری نخواهد بود.

ایشان در این باره می‌فرماید: در سلوک روحانی و معراج عرفانی، تمسک به مقام روحانیت هادیان راه معرفت و انوار راه هدایت و واصلان الی‌الله و عاکفان علی‌الله ضروری است که اگر کسی با قدم خودبینی بدون تمسک به ولایت آنها، این مسیر را بخواهد طی کند سلوک او الی الشیطان و الهاویة است. به بیان دیگر، همان‌گونه که ربط حادث به قدیم و متغیر به ثابت نیازمند واسطه و رابطه‌ای است، اگر واسطه نباشد فیض قدیم به متغیر حادث در سنت الهیه نمی‌رسد.

۵. عرفان اجتماعی و هدایت مردم به سوی کمال نهایی؛ نمره قوس صعود و نزول ذوات مقدس معصومان علیهم‌السلام

نخستین حقیقتی که در عالم وجود ظاهر گردید در منظومه فکری حضرت امام، «انسان کامل» بود (موسوی خمینی، ۱۳۷۶، ص ۱۲۸) که او را «عین ثابت» نام نهاده است که بر سایر اعیان سیادت دارد (رودگر، ۱۳۹۷). بنابراین تجلیگاه خدای سبحان انسان کاملی است که مظهر اسماء جمال و جلال الهی است و در نظام وجود و هندسه هستی جایگاه محوری دارد، به گونه‌ای که عالم و آدم در ذیل «حقیقت محمدیه» تعریف‌بردار، تحقق‌پذیر و تکامل‌یابنده‌اند و هیچ موجودی به کمال امکان و نوعی‌اش نمی‌رسد، مگر اینکه از رهگذر انسان کامل و به واسطه فیض وجودی او باشد (همان).

چون خدا در قلب اولیا و انسان‌های کامل که از هر دو عالم رها و در پرتو تربیت اویند، تدبیر می‌کند و این تربیت و تدبیر از راه جلوه‌ها و جذبه‌های باطنی است و قلب عارف در این مقام، بنده مولای خود خواهد بود (موسوی خمینی، ۱۳۷۳، ص ۵۳-۵۴). از این رو در نظرگاه حضرت امام، انسان‌های کامل کاری از سوی خود انجام نمی‌دهند؛ کار آنان کار خداست. از این رو فعل آنان در کمند زمان و مکان قرار ندارد و می‌تواند

همراه با طی مکان و بسط زمان باشد و همه عوالم در برابر ولیّ کامل، خاشع و فروتن هستند؛ زیرا اسم اعظم در اختیار اوست (همان، ص ۱۹۲).

آری، این انسان الهی برای هدایت بشریت به سوی مقصد و مقصود عالی خلقت، علاوه بر شأن تعلیم و هدایت فکری و اعتقادی و هدایت باطنی و معنوی، از شأن بسیار مهم اجتماعی، یعنی تدبیر اجتماعی و تشکیل حکومت و مدیریت سیاسی (فیض مقدس) برخوردار است که حضرت امام صاحبان واقعی این ولایت عرفانی و باطنی را پیامبر اکرم ﷺ و ائمه اطهار ﷺ می‌داند؛ زیرا بر آن است که ایشان جملگی از نور واحد آفریده شده‌اند و با هم اتحاد وجودی دارند (موسوی خمینی، ۱۳۸۱، ص ۳-۴؛ نیز ر.ک: رودگر، ۱۳۹۷).

۱-۵. ضرورت تشکیل حکومت برای اجرای قوانین الهی از منظر امام خمینی *

یکی از شئون ولایت انبیا که در حقیقت نحوه ولایت آنها را نشان می‌دهد و اولین و اساسی‌ترین سمت ولایی انبیا محسوب می‌شود و از طرف خداوند به آنها افزوده شده، این است که احکام و دستورهای الهی را به مردم ابلاغ و آن احکام را تبیین کنند. گرچه تشریح احکام بالاصاله و بالذات از آن خداوند است، ولی از طریق وحی به انبیا افزوده می‌شود و قرآن کریم درباره این سمت رسول خدا ﷺ فرموده است: «وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا» (حشر: ۷) و این سند روشنی برای حجت بودن سنت پیامبر ﷺ و بالتبع ائمه معصوم ﷺ است. از این رو می‌توان گفت: یکی از آثار و شئون وجودی انبیا و در ادامه امامان معصوم ﷺ همان شأن تشکیل حکومت برای ابلاغ، تبیین و اجرای احکام الهی به مردم و جامعه است.

۲-۵. تشکیل حکومت و اجرای ولایت تشریحی؛ سنت رسول اکرم ﷺ

حضرت امام ضمن اینکه برای پیامبر ﷺ و معصومان ﷺ ولایت تکوینی قائل است و آنان را وسایط فیض و محیط بر عالم غیب و شهود و اسباب پیوند آسمان الوهیت با زمین مخلوقیت می‌داند، برای آنان شأن «ولایت تشریحی» و برقراری حکومت الهی در زمین نیز قائل است - اگرچه در زمان حضور معصومان ﷺ تحقق آن به علل گوناگون فراهم نگردید - ولی این شأن و وظیفه در عصر غیبت، به باور حضرت امام، به عهده فقیه یا فقهای حائز شرایط در روایات مأثوره قرار گرفته است و بر همین اساس، با اجازه‌ای که از حضرات معصوم ﷺ، از جمله حضرت امام رضا ﷺ (توسط آیت‌الله علم‌الهدی) گرفت، این جرئت را پیدا کرد که در دنیای تاریک و ظلمانی و پر از ظلم و فساد، قیام کند و به انقلابی اقدام کرد که در حقیقت، «انفجار نور» بود و برای به ثمر رساندن آن زحمات زیادی کشید که اکنون دلدادگان زیادی در سطح جهان این فکر نورانی را پیدا کرده‌اند و علی‌رغم مشکلات موجود که در وصیتنامه سیاسی - الهی به آن اشاره نموده، امید می‌رود با این دل‌های آماده و فطرت‌های پاک که متوجه دین و قرآن و معنویت گردیده است، زمینه حکومت عدل جهانی و آخرین منجی بشر امام ثانی عشر ﷺ فراهم گردد.

بنابراین در جواب کسانی که می‌گویند: آیا امکان برقراری حکومت عدل جهانی با این همه ظلم و تباهی وجود دارد؟ می‌توان گفت: بهترین دلیل بر امکان، وقوع آن است که انقلاب اسلامی ایران نمونه روشن و مؤید این امکان و ادعاست.

۳-۵. ولایت تشریحی ائمه اطهار و تشکیل حکومت در منظومه فکری امام خمینی

امام خمینی معنای بزرگ پیام غدیرخیم را «عینیت دین و سیاست» معرفی می‌کند و بر این باور است که مسئله «حکومت اسلامی» معنای اصیل ولایتی است که از سوی خدا توسط پیامبر اکرم برای امیرمؤمنان علی ابلاغ شد. این نحو از ولایت، نه از سنخ ولایت تکوینی است و نه از سنخ ولایت بر تشریح، بلکه از سنخ ولایت تشریحی است. به دیگر سخن، آن ولایتی که در روز غدیرخیم برای حضرت امیر ثابت شد، حکومت است؛ به این معنا که اسلام ایجاد و اداره حکومت را نه تنها از حوزه دین بیرون نمی‌داند، بلکه آن را در مرتبه‌ای فوق فروع دین و سبب احیای آن معرفی می‌کند و با نصب حضرت علی که پیش از این دارای مقام امامت و ولایت کبرا بوده است، درحقیقت نمونه و طرازی را معین می‌کند که تا قیامت میزان سنجش فهم انسان‌ها از اسلام ناب و معیار روش حکمرانی حاکمان اسلامی باشد.

ولایت اصلش مسئله حکومت است. حکومت هم این طوری است. حکومت حتی از فروع هم نیست. آن چیزی که برای ائمه ما قبل از غدیر و قبل از همه چیزها بوده است، این یک مقامی است که مقام ولایت کلی است که آن امامت است که در روایت هست که: «الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ امامان، قاما او قَعَدَا»، وقتی «قعد» است که امام نیست. «امام» به معنای حکومت نیست، آن یک امام دیگری است و آن مسئله دیگری است. آن مسئله، مسئله‌ای است که اگر او را کسی قبول نداشته باشد اگر آن ولایت کلی را قبول نداشته باشد، اگر تمام نمازها را مطابق با همین قواعد اسلامی شیعه هم بجا بیاورید، باطل است. این غیر حکومت است. آن در عرض اینها نیست، آن از اصول مذهب است، آنی است که اعتقاد به او لازم است و از اصول مذهب است، و انحرافی که پیدا شده است - علاوه بر همه انحرافات - همین انحراف است که ما باور کردیم که سیاست به ما چه ربط دارد؟ غدیر آمده است که بفهماند که سیاست به همه مربوط است. در هر عصری باید حکومتی باشد با سیاست، منتها سیاست عادلانه که بتواند به واسطه آن سیاست اقامه صلوات کند، اقامه صوم کند، اقامه حج کند، اقامه همه معارف را بکند و راه را باز بگذارد برای اینکه صاحب افکار، یعنی آرام کند که صاحب افکار، افکارشان را با دلگرمی و با آرامش ارائه بدهند. بنابراین، این طور نیست که ما خیال کنیم که ولایتی که در اینجا می‌گویند، آن امامت است و امامت هم در عرض فروع دین است. نخیر، این ولایت عبارت از حکومت است، حکومت مجری اینهاست (موسوی خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۱۱۵).

با توجه به سخنان و دیدگاه حضرت امام، می‌توان فهمید که ایشان هم‌تراز با ولایت تکوینی، به ولایت تشریحی معصومان نیز اهتمام و تأکید دارند.

جدول ۱: نتایج تحلیل محتوای آثار امام خمینی در ارتباط با موضوع پژوهش

ردیف	گزیده فرمایش‌های امام خمینی	مقوله مرتبط	منبع
۱	ذات مقدس حق تعالی که مستجمع جمیع کمالات به‌طور غیرمتناهی است. در پیامبر اکرم ﷺ با تمام صفات و اسماء متجلی است. پس او نیز نامحدود است.	مظهر اسماء الهی	(موسوی خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۲، ص ۴۲۰)
۲	حقیقت محمدیه؛ مظهر تجلی عینی فیض اقدس و مقدس و مظهر تجلی مقام الوهیت، عین ثابت، انسان کامل و روح اعظم و سایر موجودات مظاهر کلیه و جزئیة این حقایق و رقایق	مظهر تجلی فیض اقدس و مقدس و مظهر تجلی مقام الوهیت	(موسوی خمینی، ۱۳۷۳، ص ۶۳۵)
۳	این منزلت برای ائمه بدان جهت وجود دارد که آنها ظل‌الله هستند و همان‌گونه که پیامبر اکرم ﷺ ظل‌الله است، اهل‌بیت ﷺ آن حضرت نیز ظل‌الله‌اند.	پیامبر ﷺ و اهل‌بیت ﷺ ظل‌الله	(موسوی خمینی، ۱۳۸۷، دفتر ۱۲، ص ۲۰۶)
۴	در ذوق عرفانی رابط فیض مقدس و وجود منبسط است که مقام برزخیت کبرا و وسطیت عظما را دارد و آن بعینه مقام روحانیت و ولایت رسول ختمی است که متحد با مقام ولایت مطلقه علویه است.	اتحاد مقام نبوی و علوی	(موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ص ۱۳۶)
۵	اسباب پیوند آسمان الوهیت به زمین‌های مخلوقیت‌اند که ظاهرشان آراسته به ولایت و باطن آنها متور به نور رسالت و انوار فروزان الهی است که با هدایت تکوینی و تشریحی در نهان و آشکار هدایت و راهنمایی می‌کنند.	واسطه فیض آسمان و زمین	(موسوی خمینی، ۱۳۹۵، ص ۶)
۶	اما شارح و مبین آن، ذوات مطهره معصومان از رسول خدا تا حجت عصر ﷺ که مفاتیح وجود و مخازن کبریا و معادن حکمت و وحی و اصول معارف و عوارف و صاحبان مقام جمع و تفصیل‌اند.	مفسران حقیقی قرآن	(موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ص ۱۸۴)
۷	روح ولی، روح کل و نفس او نفس کل و جسم او جسم کل است.	صاحب مقام مشیت و واسطه ظهور موجودات و محیط بر عالم غیب و شهود	(موسوی خمینی، ۱۳۷۵، ص ۶۰)
۸	«انسان کامل» کسی است که فیوضات عالم بالا را به نحوی که افاضه می‌شود، حفظ و ضبط کند، به طوری که باید به پایین فیض بدهد، برساند.	واسطه فیض	(موسوی خمینی، ۱۳۸۱، ص ۴۱۸-۲۱۴)
۹	نخستین حقیقتی که در عالم وجود ظاهر گردید در منظومه فکری حضرت امام انسان کامل بود.	صادر نخستین و واسطه فیض	(موسوی خمینی، ۱۳۷۶، ص ۱۲۸)
۱۰	اسلام ایجاد و اداره حکومت را نه‌تنها از حوزه دین بیرون نمی‌داند، بلکه آن را در مرتبه‌های مافوق فروع دین و سبب احیاء آن معرفی می‌کند.	ولایت تشریحی	(موسوی خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۰، ص ۱۱۵)
۱۱	غدیر آمده است که بفهماند که سیاست به همه مربوط است. در هر عصری باید حکومتی باشد با سیاست، منتها سیاست عادلانه که بتواند به واسطه آن سیاست اقامه صلات کند.	ولایت تشریحی	(موسوی خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۰، ص ۱۱۵)
۱۲	ولایت اصلش مسئله حکومت است، حکومت هم این‌طوری است. حکومت حتی از فروع هم نیست. آن چیزی که برای ائمه ما قبل از غدیر و قبل از همه چیزها بوده، این یک مقامی است که مقام ولایت کلی است که آن امامت است.	ولایت تشریحی	(موسوی خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۰، ص ۱۱۵)

می‌توان گفت: ولایت تکوینی و تشریحی در این پژوهش با هم بررسی شد، ولی نقش اهل‌بیت^{علیهم‌السلام} در تشکیل حکومت و برقراری عدالت و اعمال ولایت تشریحی پررنگ‌تر از دیگر نظرگاه‌ها بررسی گردید.

از بررسی مجموع سخنان حضرت امام، می‌توان نتیجه گرفت که بدون انسان کامل و معصومان^{علیهم‌السلام}، نه معرفت به حقایق وجودی و نه معنویت در عالی‌ترین مراتب تکاملی آن دست‌یافتنی نیست و علاوه بر شئون معرفتی و وجودی، معصومان^{علیهم‌السلام} دارای شئون اجتماعی و سیاسی نیز هستند (رودگر و فتحی مقدم، ۱۳۹۹) که اگرچه تاکنون به عللی آرزوی انبیا و اولیا^{علیهم‌السلام} در عالم محقق نگردیده، ولی طبق وعده قطعی پروردگار (نور: ۵۵؛ انبیاء: ۱۰۵)، حکومت صالحان در عصر ظهور حضرت بقیةالله^{علیه‌السلام} برپا و اجرا خواهد شد.

نتیجه‌گیری

با بررسی دیدگاه حضرت امام درباره معصومان^{علیهم‌السلام} و نقش و جایگاه آنها در هستی، نتایج متعددی به‌دست می‌آید. از نظرگاه حضرت امام، انسان کامل و ولی‌الله علت ایجاد و علت غایی و علت بقای عالم بوده که شناخت خالق و سلوک در مسیر حق بدون وجود انسان کامل و شناخت و فهم بسیاری از معارف و دلالت‌های پنهان آیات الهی بدون انسان کامل ممکن نیست و آن وجودهای نورانی واسطه بین عالم وجود نامتناهی و عالم ناسوت و متناهی و اسباب پیوند آسمان الوهیت به زمین‌های مخلوقیت و کلیدهای باب وجود و رابطه میان شاهد و مشهود و انوار فروزان الهی و مفاتیح وجود و دارای ولایت تکوینی و نقش‌آفرین در عالم بوده‌اند.

چون ائمه اطهار^{علیهم‌السلام} به لطف الهی از علم لدنی برخوردارند و با تقوا و تهذیب به مرتبه صمدیت رسیده و به اسامی اعظم الهی آشنا بوده‌اند، علاوه بر اینکه واسطه فیض و مستجاب‌الدعوه‌اند، با لطف و عنایت الهی، ولایت و قدرت تصرف در عالم را دارند که هرگاه صلاح می‌دیدند آن را آشکار می‌ساختند. این قدرت امکان تصرف منوط به حضور و حیات و سن و سال آنان نبوده، بلکه خوارق عادت در سنین کودکی و بعد از شهادت آنها نیز صادر شده است. البته حضرت امام بر این عقیده است که اولیای الهی در بسیاری از موارد از انجام امور خارق‌العاده طفره می‌رفتند و گاهی بنا به مصلحت، نمونه‌ای را آشکار می‌ساختند و این بخش کوچکی از قدرت و ولایت آنها در هستی است.

پیامبر اکرم^{صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم} از منظر حضرت امام، انسان کامل و کون جامع و جلوه حقیقی حضرت حق است و دیگر اولیا پرتوی از آن خورشید درخشان انسان کامل‌اند. پیامبر و اهل‌بیت^{علیهم‌السلام} مفاتیح وجود، مخازن کبریا، واسطه فیض و دارای ولایت کلیه الهی‌ه‌اند و آثار و برکات وجودی آنها بی‌شمار است. آنان بی‌شک در افاضه فیض به هستی و بقای عالم نقش‌آفرین‌اند.

براساس دیدگاه حضرت امام، معصومان^{علیهم‌السلام} در هستی، علت بقا و موجب برقراری نظم و حیات زمین بوده‌اند و این نقش به دو صورت فاعلی و غایی در قوس نزول به صورت نزول برکات و نعمت‌های الهی به

واسطه آنها به موجودات می‌رسد و در قوس و سیر صعودی نیز تکامل مخلوقات و انسان‌ها از مسیر ایشان و به وسیله آنها محقق می‌شود.

بنیانگذار کبیر انقلاب و رهبر بی‌نظیر هر توفیقی داشت آن را از عنایات حق تعالی و توجهات اولیاء الله، به‌ویژه حضرت بقیة الله علیه السلام می‌دانست.

از مطالب یادشده می‌توان دریافت که حضرت امام علاوه بر مقام «ولایت تکوینی» معصومان علیهم السلام بر «ولایت تشریحی» آن ذوات مقدس - که همان ابلاغ و اجرای احکام در سایه تشکیل حکومت الهی است - تأکید دارد. براساس این باور، مقام خلیفة‌اللہی و تشکیل حکومت الهی آن حضرات در عصر ظهور حضرت حجت و دوران دلنشین رجعت، برای حاکمیت خدا در زمین و برقراری عدالت و حاکمیت مستضعفان در زمین طبق وعده خداوند و به لطف الهی محقق خواهد شد.

از نظرگاه حضرت امام، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام در آخرت نیز از مقام برتر و ارزنده‌تری به‌مثابه شفیعان محشر و واسطه بخشش عباد برخوردارند.

منابع

- اذانی، قاسم، ۱۳۹۷، *ولایت تکوینی و تشریحی از دیدگاه امام خمینی* و *آیت الله صافی*، پایان نامه کارشناسی ارشد، قم، دانشگاه ادیان و مذاهب.
- بخشی، ماشاءالله، ۱۳۸۷، *نیاز قرآن صامت به قرآن ناطق (اهلبیت پیامبر) در هدایت انسان*، پایان نامه کارشناسی ارشد قرآن و حدیث، کرمانشاه، دانشگاه رازی.
- جعفری میدانسر، زینب، ۱۳۹۳، *رابطه وحدت و کثرت وجود از دیدگاه ملاصدرا و امام خمینی*، پایان نامه کارشناسی ارشد، قم، دانشگاه قم. جوادى آملی، عبدالله، ۱۳۸۸، *فلسفه صدرای تلخیص رحیق مختوم*، قم، اسراء.
- حسینی میلانی، سیدعلی، ۱۴۳۲ق، *الولایت الشریعیه*، قم، حقایق.
- حسینی طهرانی، سیدمحمدحسین، ۱۴۲۶ق، *امام شناسی*، چ سوم، مشهد، بی تا.
- حسینی، سیدجواد، ۱۳۸۰، «فلسفه امامت و شأن امام»، *صبح*، ش ۱، ص ۳۱-۳۹.
- حلی، احمدبن محمد، ۱۴۰۷ق، *عدة الداعی و نجاج الساعی*، تحقیق احمد موحدی قمی، قم، دارالکتب الاسلامی.
- خدایی، زهرا، ۱۳۸۹، *بررسی آراء عبدالکریم جلی در خصوص انسان کامل*، و *مقایسه آن با آراء امام خمینی*، به همراه ترجمه بخش دوم کتاب *انسان کامل*، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
- دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۷، *لغتنامه دهخدا*، تهران، دانشگاه تهران.
- رضوانی، علی اصغر، ۱۳۸۸، *ولایت و مرجعیت اهل بیت از دیدگاه امام خمینی*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- ، ۱۳۹۰، *موعودشناسی و پاسخ به نسیهات*، چ هفتم، قم، مسجد مقدس جمکران.
- رضضانی، مرضیه، ۱۳۸۹، *صادر نخستین از منظر فلاسفه با تأکید بر آراء امام خمینی*، پایان نامه کارشناسی ارشد، قم، دانشگاه باقرالعلوم.
- رودگر، محمدجواد، ۱۳۹۷، «ماهیت عرفان اجتماعی با تکیه بر مؤلفه انسان کامل از منظر امام خمینی»، *فلسفه دین*، دوره پانزدهم، ش ۴، ص ۸۸۹-۹۱۳.
- و فاطمه فتحی مقدم، ۱۳۹۹، «انسان کامل و کارکردهای معنوی و اجتماعی آن از دیدگاه امام خمینی»، *قیسات*، ش ۹۷، ص ۸۳-۱۰۷.
- زحمتکش، حسین، ۱۳۹۱، *حضرات خمس، بررسی تطبیقی آرای قیصری و امام خمینی*، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
- سیحانی، جعفر، ۱۳۸۵، *ولایت تکوینی و تشریحی از دیدگاه علم و فلسفه*، قم، مؤسسه امام صادق.
- شاکر، محمدکاظم و فاطمه سادات موسوی، ۱۳۸۹، «قرائتی بین ادیبانی از انسان کامل با رویکرد عرفانی»، *الهیات تطبیقی*، ش ۴، ص ۱۹-۳۸.
- صافی گلپایگانی، لطف الله، بی تا، *ولایت تکوینی و ولایت تشریحی*، قم، مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البیت.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۴۱۷ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، جامعه مدرسین.
- عمید، حسن، ۱۳۶۰، *فرهنگ عمید*، تهران، امیرکبیر.
- غروی، سعیده و طاهره محسنی، ۱۳۹۴، «ولایت تکوینی انسان سالک در قرآن با تأکید بر آرای امام خمینی»، *پژوهشنامه متین*، ش ۶۶ ص ۱۱۳-۱.
- فاریاب، محمدحسین، ۱۳۹۶، *بررسی انطباق ثنوی امامت در کلام امامیه بر قرآن و سنت*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۰۹ق، *کتاب العین*، قم، هجرت.
- قمی، شیخ عباس، ۱۳۷۰، *مفاتیح الجنان*، تهران، مرکز فرهنگی رجاء.

کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۳۶۵، اصول کافی، ترجمه سیدجواد مصطفوی، قم، حوزه علمیه.

مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، بحارالانوار، بیروت، دار الاحیاء التراث.

معین، محمد، ۱۳۸۶، فرهنگ معین، تهران، زرین.

مقدسی، یوسف، ۱۳۹۲، مبانی قرآنی ماهیت ولایت از منظر ابن عربی و امام خمینی، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه پیام نور.

مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۵۷، مهدی انقلابی بزرگ، قم، هدف.

موسوی خمینی، روح الله، ۱۳۷۲، مصباح الهدایة الی الخلافة و الولاية، مقدمه سیدجلال الدین آشتیانی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

آثار امام خمینی.

_____، ۱۳۷۳، جهاد اکبر یا مبارزه با نفس، چ سوم، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

_____، ۱۳۷۵، التعليقات على الفوائد الرضویة، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

_____، ۱۳۷۶، شرح دعاء سحر، ترجمه سیداحمد فهری، تهران، فیض کاشانی.

_____، ۱۳۷۸، آداب الصلاة، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

_____، ۱۳۸۱، تفسیر سوره حمد، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

_____، ۱۳۸۱، سر الصلاة، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

_____، ۱۳۸۵، صحیفه امام، چ چهارم، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

_____، ۱۳۸۷، امامت و انسان کامل از دیدگاه امام خمینی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

_____، ۱۳۸۸، شرح جنود عقل و جهل، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

_____، ۱۳۹۵، شرح دعای سحر، چ پنجم، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

یزدان پناه، شهلا، ۱۳۹۱، ولایت تکوینی از دیدگاه قاضی سعید قمی و امام خمینی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.